

انتقاد از کم کاران اداری

آهی از بُن وجودش کشید و گفت در حدود ۱۸ سالی که بازنشست شده‌ام حتی یک بار کسی به سراغم نیامده و حالم را نپرسیده است و شما اولین فرد هستید. واقعاً ناراحت کننده است کسانی که عمر و همه هستی خود را در خدمت به فرهنگ این جامعه گذراندند و افراد فراوان از سفره دانش آنها بهره‌مند شدند، کاملاً فراموش شوند.

آقای وجدانی اشعار زیبایی سروده که قابل توجه است و جزء یکی از شاعران نابینا در ایران محسوب می‌شود. درصدد هستیم آثارش را به صورت کتاب منتشر کنیم. اکنون یکی از شعرهای او با عنوان «انتقاد از کم کاران اداری» تقدیم می‌گردد. چند نکته درباره این شعر قابل تذکر است:

۱- این شعر بدون دستکار و کم و زیاد عیناً نقل شده است. ممکن است جاهایی از آن را بعضی نپسندند، زیرا زبان شعر و ادبیات طبیعتاً دارای نقد، کنایه، استعاره و گاه عبارت گزنده است. شعر مثل شاخه گلی است که در عین زیبایی تیغ هم دارد و ممکن است دست کسی را حتی زخم کند. همانطور که تیغ گل جزء زیبایی ذاتی آن است، نقدها و تذکراهای تیز و تند یک شعر هم جزء ماهیت آن است.

۲- خوانندگان باید تحمل شنیدن این نقدها را داشته باشند. البته اگر مصداق این اشکالاتاند، درصدد اصلاح خود برآیند.

۳- آقای وجدانی از سازمانی یاد می‌کند و مصرع «ای سازمان کم خرد کور و کر شناس» را هفت بار تکرار کرده است. اما صریحاً مشخص نکرده، منظورش چیست؟ و مصداق این سازمان را تعیین نکرده است. هر نهاد و مرکزی که چنین ویژگی‌هایی داشته باشد می‌تواند مورد خطاب و مصداق سخن او باشد. بعضی گفته‌اند سازمان بهزیستی مورد نظر شاعر بوده است؛ اما خود شاعر چنین ادعایی ندارد و هر اداره‌ای که کم کاری داشته و به فکر خدمت به مردم نباشد، مخاطب شاعر است.

۳- با اینکه واژه کور برای نابینا و کر برای ناشنوا امروزه کمتر به کار می‌رود مگر افرادی که بخواهند با سبکی از این جامعه یاد کنند. اما چرا آقای وجدانی با این که خود فرهیخته و نابینایی فرهنگی و نخبه است، این واژه‌ها را به کار برده است؟

در گفت‌وگو با ایشان دانستیم، با استعمال این دو واژه نوعی آرایه استهلال برائت به کار برده است. یعنی خواسته دیدگاه و نظر آن سازمان را نسبت به نابینایان و ناشنویان مطرح کند؛ و درصدد القاء این نکته بوده که این سازمان روش تحقیری برای این قشرها را به کار گرفته در صورتی که این اقشار نخبه‌اند.

این نکته در بیت نخست شعرش به خوبی پیدا است. با این توضیحات امید است هیچ کس از این شعر رنجیده نشود و با ترویج آن دیدگاه‌های منفی درباره این جامعه به روش خاص شعری نقادی گردد. اما ۴۶ بیت این قطعه شعر چنین است و از نوادر شعر نابینایان محسوب می‌شود.

انتقاد از کم کاران اداری

ای سازمان کم خرد کور و کر شناس

کز جهل توست کور و کر نخبه در هراس

جمعی به نام خادم کور و کر و فقیر

گویا به نزدتان بود یک کاروان اسیر

این جمع با شرافت و زحمتکش دبیر

خود را حساب کرده بر آن کاروان؛ امیر

بلعید حق خاک نشینان آس و پاس

ای سازمان کم خرد کور و کر شناس

آقای محمود وجدانی‌نژاد متولد ۱۳۲۸ در شیراز از دبیران خوشنام بازنشسته آموزش و پرورش و نابینای مطلق اشعار زیبایی سروده که هنوز منتشر نشده است.

ایام عید نوروز به دیدار ایشان رفتیم تا اینکه در حدّ خودمان از زحمات ایشان تشکر کرده باشیم. زیرا تا سال ۱۳۷۶، سی سال به نابینایان، ادبیات می‌آموخت و صدها نابینا از محضر او دانش، اخلاق و تجربه آموختند. از این‌رو لازم بود به دیدارش می‌رفتیم. حدود دو ساعت درباره موضوعات مختلف گفت‌وگو شد. از ایشان پرسیدم آیا تاکنون مدیران آموزش و پرورش یا سازمانی که در آنجا تدریس داشته یعنی مؤسسه ابابصیر به دیدارش آمده یا از او تقدیر و تشکر داشته‌اند؟



گوید که کارت ای فلان ناید ز دست ما
 گر سویش از قضا برسد فرد ناشناس
 لیکن هزار مشککش ناگفته حل شود
 گر هدیه بهرش آورد یک بسته اسکناس
 گر دست من به گنبد گردون رسد دمی
 از بیخ و بن برکنم نسل تو کارشناس
 گر بهر حل مشککش آید به سویتان
 فردی ضعیف بر دگرش می‌دهید پاس
 تا عاقبت حواله شود حل مشککش
 سوی رییس بعد دو صد داد و التماس
 وانگه رییس نامه نویسد سوی وزیر
 تا کی رسد جواب! خدایا تو را سپاس
 تا کوتاهی به حال مراجع شود مجاز
 رو به صفت به پا کنی سمینار و کنفرانس
 القصه تا که حل شود بحران آن جوان
 ریشش سفید گشته و رأسش علیل و طاس
 پیوسته امر پیر جماران به گوش گیر
 کو گفته کوتاهی نشود در امور ناس
 ملت قیام می‌کند بر ظلم و جور تان
 گر کارهای مملکت باشد بر این اساس
 با مکر وریش تکیه زده پشت میز آز
 مکار ریشمیز چه خواهی ز جان ناس؟
 تقوی ملاک ارزش انسان بود و علم
 نی قصر و مال و قدرت و عمامه و لباس
 تغییر داده که ما خوب گشته‌ایم؟
 باید برید ریشه ناپاک را به داس
 یا رب مباد آنکه ز جور منافقان
 در هر اداره کار شود بر چنین قیاس
 یا رب به حق خون شهیدان تو پاس دار
 این انقلاب و ملت ایران ز شرّ ناس
 بهر نجات مملکت از ظلم و حق کشی
 باشد نیاز بار دگر بر قیام ناس
 دیدی که قصر و قدرت شاهان حق ستیز
 شد منقرض ز آه اسیران حق شناس؟
 وجدانیا بسوز که آه شبانهات
 باشد که بر کند ز کل بنیان ناسپاس

درخواست

از همه عزیزان نابینا و ناشنوا و دیگر اقشار مددجویان معلول تقاضا و استدعا داریم نظرات و دیدگاه خود درباره این شعر را بنویسند. نیز هر شخصی شرحی بر آن بنویسد، آمادگی چاپ و انتخاب برترین افراد و اختصاص هدیه‌ای به آنها را داریم.

لازم به توضیح است آقای محمود وجدانی نژاد شاعر مزبور، برادر محمدحسن وجدانی نژاد است که ابتکارات سودمندی برای نابینایان داشته است. در این خانواده سه تن شاخص و خدوم هست: محمدحسن وجدانی؛ مرحوم همسرش مهرانگیز حسن شاهی؛ محمود وجدانی. برای هر دو برادر آرزوی توفیق بیشتر مسئلت می‌نماییم.

در هر کجا که حق ضعیفی عیان بود
 تصویب اگر چو لایحه اندر جهان بود
 روشن‌تر از ستاره هفت آسمان بود
 مهمور به مهر مهدی صاحب زمان بود
 مستور می‌کنید چو دیگر حقوق ناس
 ای سازمان کم خرد کور و کر شناس
 بهر خدا تو کم بنما این آز خویش را
 جایی که مرهمی بنهی قلب ریش را
 تأمین کنی تو پرسنل دل پریش را
 پر می‌کنی دخل و پس‌انداز خویش را
 با نام‌های مختلف دایم ز حق ناس
 ای سازمان کم خرد کور و کر شناس
 با نشر کذب‌نامه ز پاداش عید ما
 ماتم سرا نموده‌ای عید سعید ما
 رویت سیاه می‌کند ایران سپید ما
 دستی به جام و دست دگر در ترید ما
 پر مایه‌تر ز کاسه خوبان نبود کاس؟
 ای سازمان کم خرد کور و کر شناس
 باید برای رفع ستم کوششی بود
 در باغ دل ز نخل امید رویشی بود
 تا در میان پیر و جوان جوششی بود
 در حیف و میل بی‌حدت تا پوششی بود
 تشکیل بی‌رویه تو دایم دهی کلاس
 ای سازمان کم خرد کور و کر شناس
 سال علی است به حکم فقیه زمان علی
 کو گشته منتخب ز سوی مسلمان ولّی
 حکم خدا ز آیه قرآن بود جلی
 سال عدالت و شرف و عزت است ولی
 رفتار عدل او به شماری کنی خلاص
 ای سازمان کم خرد کور و کر شناس
 ای آنکه کار توست به این شیوه‌ی غلط
 در هر اداره ترس ز نفرین عام و خاص
 خوفی ز روز حشر نداری تو ای بسا
 باشد در این جهان که خدایت کند قصاص
 زینهار احترام خون شهیدان تو پاس دار
 ای ظاهرت چو بوذر و باطن چو عمرو عاص
 تا کی مطیع رأی کج اندیش این و آن؟
 جای صراط مستقیم پویی ره خناس
 تا نابجا ریاست ظلمت دهی بقاء
 با حزب‌های مختلف باشی تو در تماس
 فکر سلیم! حق و عدالت طلب مکن
 جایی که فکر پرسنلش هست لبس و لاس
 هیچ ازدواج و حرفه و مسکن جوان مخواه
 گسترده تا بود ز ستم این جل و پلاس
 میز ریاستت شده بنگاه صد عجب
 کار مراجعان شود ارجع به کارشناسان
 او نیز حرص مال و سمت برگزیده است
 در کار خویش و حال مراجع چو ناشناس